



عقب نشینی آمریکا و اروپا از صدور قطعنامه ضد ایرانی در شورای حکام نشان داد تغییر راهبرد ایران از انفعال دیپلماتیک به مقاومت فعال کار می کند و هدف لغو تحریم در دسترس قرار می گیرد؛ اکنون باید مراقب ترفند در باغ سبز نشان دادن و آب نبات های پیشنهادی بود

حقه قدیمی دموکرات ها

تیتراهای امروز

افتتاح ۴۵۰ مدرسه سدنزلزه و مرکز فرهنگی توسط ستاد اجرایی فرمان امام در مناطق محروم

بنای پر برکت

تفاهنامه ساخت ۱۰۰۰ مدرسه جدید برکت به امضا رسید



یاب فرانسیس و آیت الله سیستانی صبح دیروز دیدار و گفتگو کردند

تقدیر یاب
از شیعیان عراق

گزارش «وطن امروز» از رشد افسار گسیخته فروش اوراق بدهی دولتی برای جبران کسری بودجه

بریدن جیب
آیندگان

گرانی مرغ و صف های طولی همچنان پابرجاست قیمت هر کیلو مرغ در خرده فروشی ها: ۲۰ هزار تومان

گرانی مرغ
یک پا دارد!

واکنش ایران به تهدید نظامی وزیر جنگ رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته ای کشورمان

بزئید، می خورید

نگاه

دولت نسبت به نوسانات نرخ ارز
بی تفاوت نباشد

دکتر جعفر قادری: دولت تأمین کننده عمده ارز کشور است و می تواند با کاهش یا افزایش قیمت آن، بر نرخ نهایی تأثیر گذار باشد. ممکن است در شرایط فعلی و با توجه به محدودیت درآمد ارزی، نقش دولت در نوسانات قیمت ارز کم رنگ تر شده باشد اما در زمان هایی نشانه هایی بر دخالت دولت در قیمت ارز وجود دارد.

چندین عامل بر قیمت ارز تأثیر گذار است، از جمله خریداری و عرضه و پاسخ یا عدم پاسخ به تقاضاها و انتظارات جامعه از دولت اما نکته قابل توجه این است که نوسانات قیمت ارز به بی ثباتی در جامعه دامن می زند و سبب می شود عملاً شرایطی به وجود آید که سرمایه گذار نسبت به آینده اطمینان نکند و نداند وضعیت نرخ ارز در آینده به چه شکل خواهد بود، در نتیجه واردات، صادرات و سرمایه گذاری با مشکلاتی روبه رو می شود. از سوی دیگر این بی ثباتی و عدم اطمینان سبب می شود سرمایه داران به جای اینکه نقدینگی را در بازار بورس و سرمایه گذاری های مفید و مؤثر به کار ببرند، آن را به صورت ارز یا ریال احتکار کرده و منابع ارزی را راکد نگه دارند. متأسفانه نوسانات قیمت ارز در بازار سبب می شود ارز به یک کالای سرمایه ای تبدیل شود و در عرصه توزیع درآمد، پهن بختگی به وجود آید؛ کسانی که تولید کننده کالای صادراتی هستند و ارز به دست می آورند وضعیت مالی بهتر کسب می کنند و کسانی که شغلی وابسته به واردات دارند افزایش نرخ ارز، هزینه های کالای وارداتی شان افزایش می یابد و همین امر باعث می شود حتی کالاهای غیر قابل تجارت هم متأثر از نرخ ارز و وضعیت بی ثباتی پیدا کنند، بویژه در جامعه ما که تولید وابسته به خارج است و برخلاف تصویری که وجود دارد، افزایش نرخ ارز در کشور منجر به صادرات بیشتر نمی شود، در حالی که در کشورهای که تولید مستقل از خارج است، افزایش نرخ ارز منجر به افزایش صادرات می شود. به دلیل آثار مخرب که نوسانات قیمت ارز به همراه دارد، مجلس در جلسات مختلفی که با رئیس کل بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و برخی مسؤولان دولتی داشت، تذکر داد نرخ ارز یک متغیر کلیدی در اقتصاد ما است و دولت نمی تواند نسبت به نوسانات نرخ ارز بی تفاوت باشد، بنابراین دولت باید تمام تلاش خود را بکند تا در نرخ ارز، ثبات حاصل شود. در ضمن دولت تصور نکند با افزایش نرخ ارز به نتایج مطلوبی خواهد رسید، اگر چه با این اقدام درآمد بیشتری خواهد داشت اما از سوی دیگر هزینه های افزایش می یابد و بالطبع بیشترین ضرر از تورم ایجاد شده در کشور نیز متوجه دولت خواهد بود.

* عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

یادداشت

امیرحسین سیدرحیم زاده:

بعد از آنکه در چند سال گذشته، سیاست خصوصی سازی به عنوان «سیاست نظام در زمینه اقتصاد» با چالش های جدی مواجه شد و نتوانست کشور، به دنبال راه حلی ایجابی بوند که پس از سلب خصوصی سازی افسار گسیخته، آن را به عنوان سیاست مطلوب در حوزه اقتصاد جای گذاری کنند. اما آیا ما در مکتب انقلاب اسلامی، راهکاری فارغ از ایده های اقتصاد سوسیالیستی دولتی و اقتصاد کپتالیستی خصوصی داریم یا باز هم باید خودمان را در پازل یکی از این ۲ پارادایم تعریف کنیم؟

۳ شخصیت برجسته انقلاب اسلامی، در ۳ عمق مختلف، از «اقتصاد تعاونی» به عنوان الگوی امام خمینی (ره) که در نفی اقتصاد دولتی و اقتصاد سرمایه داری سخنان صریحی به میان آورده اند و اقتصاد را وابسته به توده مردم و تمام اعضای جامعه می دانند، شهید بهشتی (ره) که در کسوت ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی، با استفاده از مبانی نظری خود و با کمک نمایندگان مجلس یکم، اقتصاد تعاونی را به عنوان شیوه مطلوب و مورد نیاز جمهوری اسلامی مشخص کرد و رهبر معظم انقلاب که در ابلاغیه های شان مانند ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغیه سیاست های برنامه پنجم توسعه، عملاً پرداختن به اقتصاد تعاونی را لازم الاجرا کردند.

شهید بهشتی (ره) در جلسه دوم میزگرد تلویزیونی درباره ابعاد و اصول اقتصادی قانون اساسی، سخنان

تعاون؛ نسخه فراموش شده اقتصاد ایران

گفتمان اقتصادی انقلاب اسلامی، حول «اقتصاد تعاونی»

افزایش بخش تعاونی است. اما چرا اقتصاد تعاونی، بهترین شیوه اقتصادی ترمیم شده برای اقتصاد جمهوری اسلامی است؟ علاوه بر نکاتی که شهید آیت الله بهشتی (ره) به عنوان مهم ترین چهره حامی اقتصاد تعاونی بدان اشاره کردند، مساله دیگری که ما با آن در هر زمینه ای، چه اقتصاد، چه فرهنگ و چه سیاست روبه رو هستیم، مساله «جمهوریت» است. مردم در کجای کار هستند؟ نقش مردم در فرهنگ و برنامه های فرهنگی چیست؟ مردم در مسائل سیاسی چگونه دخالت داشته باشند تا همه کاره سیاست در جمهوری اسلامی باشند؟ و همچنین در اقتصاد، ما چه برنامه های داریم که اقتصاد را به توده مردم گره بزینیم؟ چگونه حکومت تمام مردم بر اقتصاد را محقق کنیم؟ این مساله بسیار پررنگ و پراهمیت است، زیرا اساسا انقلاب ما شکل گرفت تا همه چیز را به مردم ببیند دهد. این لفظ جمهوری است که در ابتدای نام نظام سیاسی ما قرار دارد؛ پس اگر مردم در آن همه کاره نباشند، این لفظ تهی از معناست. در اقتصاد تعاونی، تمام حلقه های تولید، توزیع و مدیریت با خود مردم است، بدون کوچک ترین دخالتی از طرف دولت یا سرمایه داران در کار آنها. تمام اشخاصی که در شرکت تعاونی هستند، به یک اندازه می توانند در مدیریت شرکت مداخله کنند، نه هر کس که سرمایه بیشتری داشت رای بیشتری داشته باشد. این همان

نقش برابر تمام گروه های مردمی در اقتصاد است. پس اقتصاد تعاونی یعنی تصمیم گیری تمام مردم در اقتصاد، و تکمله این تعریف، حضور مساوی تمام مردم در عرصه اقتصاد، فارغ از میزان سرمایه شان است که به مراتب مهم تر از قسمت اول تعریف است. یعنی ما علاوه بر اینکه یکی از آرمان های اصل مان در انقلاب را محقق می کنیم، در دل آن، به غایت تمام انقلاب های دینی که تحقق عدالت است نزدیک می شویم و این می شود تفسیر عملی «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». نکته ای که همواره در مقابل ایده اقتصاد تعاونی ایستاده و اجازه گسترش آن را نمی دهد، یکسری حرف های غیر علمی است که ریشه در آوادی و غرب زدگی اقتصاددانان و سیاستمداران ما دارد. می گویند اقتصاد تعاونی یک چیز فانتزی و شاعرانه است و رسیدن به آن سخت و گاه غیرممکن است. در هیچ یک از کشورهای غربی، اقتصاد تعاونی، محور اقتصادی نیست و بخش کوچکی از اقتصاد را شکل می دهد. این عزیزان همواره می خواهند خود را چندپله عقب تر از غرب تصور کنند و حتی نمی توانند تخیل کنند ما در یک زمین های، بالاتر از حتی یک کشور غربی ایستاده باشیم. کما اینکه موفقیت های گذشته ما را انکار می کنند اما خوب است در جواب سخنان آنها، به یک نمونه درخشان از اقتصاد تعاونی در کشور اسپانیا بپردازیم.

شرکت «هونراگون (امی سی)» اسپانیا؛ شرکتی

که سال ۱۹۹۵ با ۲۸ هزار شاغل شروع به کار کرد و تنها طی ۶ سال، تعداد شاغلان خود را به ۶۰ هزار نفر افزایش داد؛ یعنی رشدی بیش از ۱۰۰ درصدی تنها طی ۶ سال! نمونه ای که از این حیث در دنیا کم نظیر است. این ۶۰ هزار «کارگر مالک» در قالب ۱۵۰ تعاونی مشغول کار هستند و سود سالانه شرکت ۸ میلیارد یورو است. عددی که معادل است با ۲ درصد تولید ناخالص داخلی سالانه کشور ما.

همچنین اگر بخواهیم نمونه موفق داخلی را نام ببریم، باید رجوع کنیم به چند دهه پیش و زمانی که هنوز اصلاحات ارضی زمان شاه مخلوع در کشور اتفاق نیفتاده بود؛ زمانی که کشاورزی ما خود کفا بود. در بررسی های تاریخی اینگونه ثبت شده است که در آن برهه، بخش اعظم تولیدات کشاورزی بر عهده تعاونی های کوچک مردمی بوده و با توجه به موفقیت آنها در خود کفایی کشاورزی، می توان به اقتصاد تعاونی به چشم یک شیوه اقتصادی کارآمد و مطمئن که با اسلام (ناب محمدی (ص) مطابقت دارد، نگاه کرد.

کلام حضرت آیت الله العظمی خاмене ای ۶ سال است بر زمین مانده و کسی نیامده است تا آن را مطالبه گری کند و به عنوان الگوتاریخ مکتب اقتصاد غربی و شرقی مطرح کند. آن مساله ای که در اوایل انقلاب بسیار داغ بود، جدا بودن شیوه حکومت جمهوری اسلامی با شرق و غرب بود؛ مساله ای که هم در فرهنگ هم در سیاست وجود دارد، وظیفه ما این است که این راه را هم برای مردم و هم برای مسؤولان روشن کنیم.

گنده گویی

در وقت پاسخگویی

جهانگیری: در این دولت بابک زنجانی نداشتیم

بی سابقه ترین تخلفات اقتصادی در ۷ سال گذشته رخ داد
صدور حکم حبس برای حسین فریدون، مهدی جهانگیری
و شبنم نعمت زاده نشانه پاکدستی دولت است؟

جهانگیری: یک دلار از پول نفت در این دولت تلف نشد

هنوز سر نوشت ۳ میلیارد دلار ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی
نامشخص مانده است